

**« هدف کلی درس : آشنایی با ولایت فقیه به عنوان شکل حکومت اسلامی در عصر غیبت امام زمان ( ع ) »**

« خلاصه درس دهم « مرجعیت و ولایت فقیه » دین و زندگی ( ۲ ) یازدهم، ریاضی فیزیک و علوم تجربی »

\* آیه « وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ » ( توبه ۱۲۲ )

ترجمه : و نمی شود که مؤمنان ، همگی [ برای آموزش دین ] اعزام شوند ، پس چرا از هر گروهی ، جمعی از آن ها اعزام نشوند تا دانش دین را [ به طور عمیق ] بیاموزند و آن گاه که به سوی قوم خویش بازگشتند ، آن ها را هشدار دهند ، باشد که آنان [ از کیفر الهی ] بترسند . این آیه بیان می کند خداوند حتی در زمان پیامبر اسلام و با وجود حضور ایشان ، عده ای را تشویق به فراگیری علم دین می کند ، از آن جا که همه مسلمانان نمی توانند در باره احکام دین تفقه و تحقیق کنند و همه به پیامبر اسلام دسترسی ندارند ، عده ای از آنان باید این مسئولیت را به عهده بگیرند . این افراد وظیفه دارند احکام دین را فراگیرند و به دیگران برسانند .

\* **ضرورت تداوم دو مسئولیت « مرجعیت دینی » و « ولایت ظاهری » در عصر غیبت :**

دین اسلام همیشگی و عقلاً ضروری است دو مسئولیت « ولایت ظاهری » و « مرجعیت دینی » در عصر غیبت ادامه یابد .

۱ ) اگر مرجعیت دینی ادامه نیابد ، مردم با وظایف خود آشنا نمی شوند و نمی توانند به آن وظایف عمل کنند .

۲ ) اگر ولایت ظاهری ادامه نیابد ، نمی توان احکام اجتماعی اسلام را که نیازمند مدیریت و پشتوانه حکومتی است ، در جامعه به اجرا در آورد .

در عصر غیبت « مرجعیت دینی » در شکل « مرجعیت فقیه » و « ولایت ظاهری » به صورت « ولایت فقیه » استمرار پیدا می کند .

\* **راهکار پیامبر اسلام ( ص ) و امامان ( ع ) برای عصر غیبت امام زمان :**

در زمان ائمه ( ع ) ، مردمانی در شهرهای دور دست بودند که به امامان دسترسی نداشتند و نمی توانستند احکام دین را از ایشان بشنوند و از فرمان های آنان مطلع شوند . از این رو ، آن بزرگواران دانشمندانی را تربیت می کردند که در حدّ توان به معارف و احکام دین دست یابند . این دانشمندان به نقاط مختلف شهر خود و یا شهرهای دیگر می رفتند و احکام اسلام را به مردم می آموختند .

\* **تفقه** ← خداوند در قرآن دستور می دهد گروهی از مردم ، وقت خود را صرف شناخت دقیق دین کنند و به « تفقه » در آن پردازند تا پس از کسب علم به شهرهای خود بروند و قوانین اسلام را به مردم بیاموزند . تفقه ، به معنای تلاش برای کسب معرفت عمیق است .

\* **فقیه** ← افرادی که به معرفت عمیق در دین می رسند و می توانند قوانین و احکام اسلام را از قرآن و روایات به دست آورند . مسلمانان وظیفه دارند در زمان غیبت امامان یا عدم امکان دسترسی به ایشان ، به فقیهان مراجعه کنند .

\* **پیامبر اکرم ( ص ) می فرماید** ← حال کسی که از امام خود دور افتاده و به او دسترسی ندارد ، سخت تر از حال یتیمی است که پدر را از دست داده است ؛ زیرا چنین شخصی ، در مسائل زندگی ، حکم و نظر امام را نمی داند . البته اگر یکی از پیروان ما که به علوم و دانش ما آشناست ، وجود داشته باشد ، باید دیگران را که به احکام ما آشنا نیستند ، راهنمایی کند . در این صورت ، او در بهشت با ما خواهد بود .

\* **امام عصر ( ع ) فرمود** ← « **وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ** »

ترجمه : « در مورد رویدادهای زمان به روایان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آن ها می باشم . »

این روایات بیانگر آن است که مسلمانان در عصر غیبت امام زمان ، نه تنها در احکام و مسائل فردی ، بلکه در مسائل اجتماعی هم ، باید به فقیه مراجعه کنند که چنین وظیفه ای جز با نفی حاکمان طاغوت و تشکیل حکومت اسلامی به رهبری فقیه ممکن نیست .

\* **پیروی یا تقلید** ← کسانی که در احکام دین متخصص نیستند برای یادگیری احکام به افراد متخصص در دین مراجعه می کنند این مراجعه را پیروی یا تقلید می گویند و فقیهی که متخصص در احکام دین است مرجع تقلید می نامند. انسان در امری که تخصص و مهارت ندارد، به متخصص آن مراجعه می کند، این مراجعه یک روش عقلی رایج است.

\* **مرجع تقلید** ← گروهی از فقیهان، احکام را در اختیار مردم قرار می دهند تا کسانی که در احکام دینی متخصص نیستند به آن ها مراجعه کنند و احکام دین بیاموزند، چنین فقیهی را مرجع تقلید می گویند.

\* **ولی فقیه** ← در میان فقیهان کسی که توانایی سرپرستی و ولایت جامعه اسلامی را دارد، عهदार حکومت می شود و قوانین الهی را در جامعه به اجرا در می آورد. فقیهی که این مسئولیت را بر عهده دارد ولی فقیه نامیده می شود.

\* **شرایط مرجع تقلید :**

۱) **با تقوا باشد** ← تقوا یک حالت و قدرت روحی است که مانع رفتن انسان به سوی گناه می شود و حافظ و نگهدارنده از گناه عمل است.

۲) **عادل باشد** ← عدالت، مراتبی دارد، عدالت پیامبر و امام به معنای دوری از هرگونه ظلم است. عدالت فقیه باید آن قدر باشد که به ندرت از وی گناهی سربرزند. عدالت یک فرد عادی باید به اندازه ای باشد که مردم به وی اعتماد کنند و به دروغگویی و گناه مشهور نباشد.

۳) **زمان شناس باشد** ← بتواند احکام دین را متناسب با نیازهای روز، به دست آورد.

۴) **اعلم باشد** ← یعنی از میان فقها از همه عالم تر باشد.

\* **راه های شناخت مرجع تقلید :**

۱) از دونفر عادل و مورد اعتماد که بتوانند فقیه واجد شرایط را تشخیص دهند، پرسیم.

۲) یکی از فقیهان، در میان اهل علم آن چنان مشهور باشد که انسان مطمئن شود که این فقیه، واجد شرایط است.

\* **شرایط ولی فقیه ( رهبر جامعه اسلامی ) را بنویسید :**

۱- **با تقوا باشد** ← تقوا یک حالت و قدرت روحی است که مانع رفتن انسان به سوی گناه می شود و حافظ و نگهدارنده از گناه عمل است.

۲- **عادل باشد** ← عدالت فقیه باید آن قدر باشد که به ندرت از وی گناهی سربرزند. عدالت یک فرد عادی باید به اندازه ای باشد که مردم به وی اعتماد کنند و به دروغگویی و گناه مشهور نباشد.

۳- **زمان شناس باشد** ← بتواند احکام دین را متناسب با نیازهای روز به دست آورد.

۴- **مدیر و مدبر باشد** ← بتواند جامعه را در شرایط پیچیده جهانی رهبری کند.

۵- **شجاعت و قدرت روحی داشته باشد** ← بدون ترس و واهمه، در برابر زیاده خواهی دشمنان بایستد. در اجرای احکام دین از کسی نترسد و با قدرت، در مقابل تهدیدها بایستد و پایداری کند.

\* **« مشروعیت » و « مقبولیت » ولی فقیه** ← مشروعیت یعنی ولی فقیه شرایط رهبری در جامعه اسلامی داشته باشد و دین به او اجازه رهبری مردم را داده باشد. در غیر این صورت، پیروی از دستورات وی حرام است. مقبولیت یعنی ولی فقیه باید از جانب مردم پذیرفته شده باشد تا بتواند کشور را اداره کند و به پیشی ببرد.

\* **چگونگی انتخاب ولی فقیه :**

از آن جا که ولی فقیه، بیان کننده قوانین و مقررات اجتماعی اسلام است، انتخاب وی نمی تواند مانند انتخاب مرجع تقلید باشد؛ یعنی نمی شود که هر کس به طور جداگانه برای خود ولی فقیه انتخاب کند؛ زیرا اداره جامعه تنها با یک مجموعه قوانین و یک رهبری امکان پذیر است؛ در غیر این صورت، هرج و مرج و تفرقه و پراکندگی پیش می آید و این، یک امر روشن و بدیهی در تمام نظام های سیاسی دنیاست. پس، مردم در انتخاب ولی فقیه باید به صورت دسته جمعی اقدام کنند و فقیهی را که شرایط رهبری دارد، با آگاهی و شناخت بپذیرند، به وی اعتماد و اطمینان کنند. ولی فقیه در کشور ما بر اساس دو معیار مشروعیت و مقبولیت انتخاب می شود. مردم به طور مستقیم ولی فقیه خود را انتخاب می کنند مانند انتخاب امام خمینی با حضور در راهپیمایی ها و اجتماعات. به صورت غیر مستقیم که در آن مردم، خبرگان را تعیین می کنند و خبرگان از میان فقها، فقیه واجد شرایط را برای اداره کشور بر می گزینند.

\* وظایف رهبر ( ولی فقیه ) در جامعه اسلامی :

( ۱ ) تلاش برای اجرای احکام و دستورات الهی در جامعه ← رهبر جامعه اسلامی می گوشت جامعه مطابق با دستورات دین اداره شود و مردم از مسیر قوانین الهی خارج نشوند.

( ۲ ) حفظ استقلال کشور و جلوگیری از نفوذ بیگانگان ← کشورهای بیگانه، به خصوص قدرت های بزرگ، همواره درصدد سلطه بر کشورهای دیگرند و از روش های مختلف برای رسیدن به این هدف استفاده می کنند. یکی از روش های آنان فشار اقتصادی و روانی است. رهبر با دعوت مردم به استقامت و پایداری و بستن راه های سلطه، تلاش می کند عزت و استقلال کشور از دست نرود.

( ۳ ) تصمیم گیری بر اساس مشورت ← از آنجا که اداره یک جامعه و رهبری آن به سوی پیشرفت و عدالت و تعالی، با بهره گرفتن از اندیشه های اندیشمندان و متخصصان میسر است، رهبر باید با مشورت با نخبگان تصمیم های لازم را بگیرد. امروزه در جامعه ما، علاوه بر اشخاص، نهادهای مختلفی نیز هستند که به صورت پیوسته به رهبری مشورت می دهند.

( ۴ ) ساده زیستی ← رهبر به دنبال توسعه مال و ثروت و تشکیل یک زندگی اشرافی و تجملاتی حتی از طریق مشروع نیست. اگرچه امروزه زندگی اشرافی رؤسای جمهور و پادشاهان، از قبیل داشتن خانه های گران قیمت، استفاده از بهترین سرویس ها و مبلمان، استراحت و تفریح در زیباترین سواحل و جزایر دنیا، داشتن ده ها اتومبیل شیک، برگزاری مهمانی های پرهزینه و شرکت در مجالس لهو، با هزینه شخصی یا با استفاده از اموال عمومی، یک امر عادی است، اما رهبر با الگو قرار دادن اولیای دین، همواره یک زندگی ساده را دنبال می کند.

\* مسئولیت های مردم نسبت به رهبر در نظام اسلامی :

( ۱ ) وحدت و همبستگی اجتماعی ← همان طور که تفرقه و پراکندگی، به سرعت یک حکومت را از پای درمی آورد و سلطه گران را بر کشور مسلط می کند، همبستگی اجتماعی، کشور را قوی می کند و به رهبری امکان می دهد که برنامه های اسلامی را به اجرا در آورد.

( ۲ ) استقامت و پایداری در برابر مشکلات ← هر کشوری در مسیر رسیدن به استقلال و کمال با مشکلات بزرگ و کوچکی روبه رو می شود؛ همان گونه که کشور ما از ابتدای انقلاب اسلامی مورد تهاجم دشمنان قرار گرفت. پس مردم باید با استقامت خود، فرصت و توان مقابله با مشکلات داخلی و خارجی را برای رهبر فراهم کنند.

( ۳ ) افزایش آگاهی های سیاسی و اجتماعی ← برای تصمیم گیری صحیح در برابر قدرت های ستمگر دنیا، اطلاع از شرایط سیاسی و اجتماعی جهان، ضروری است. ما باید بتوانیم به گونه ای عمل کنیم که بیشترین ضربه را به مستکبران و نقشه های تفرقه افکنانه آنان بزنیم و خود کمترین آسیب را ببینیم. ناراحتی دشمنان از عمل ما یا خوشحالی و شادی آنان از رفتار ما، می تواند یکی از معیارهای درستی و نادرستی عملکرد ما باشد.

( ۴ ) مشارکت در نظارت همگانی ← براساس فرمان خداوند، همه افراد جامعه اسلامی نسبت به یکدیگر مسئول اند و مانند سوارشدگان در یک کشتی اند. اگر گناهی در جامعه رواج پیدا کند، فقط گناهکاران عذاب نمی شوند، بلکه همه کسانی که در برابر انجام گناه در جامعه سکوت کرده اند باید پاسخگو باشند. همه ما باید ناظر بر فعالیت های اجتماعی باشیم و در صورت مشاهده گناه توسط هر کس، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را با روش درست انجام دهیم. این مشارکت سبب می شود که رهبر، همه افراد جامعه را پشتیبان خود بداند و هدایت جامعه به سمت وظایف اسلامی آسان تر شود.

( ۵ ) اولویت دادن به اهداف اجتماعی ← در برخی موارد که اهداف و آرمان های اجتماعی در برابر منافع فردی قرار می گیرند، باید بتوانیم از منافع فردی خود بگذریم و برای اهداف اجتماعی تلاش کنیم؛ مثلاً خرید کالای ایرانی سبب می شود که کارخانه های داخلی به تولید خود ادامه دهند و مانع بیکاری صدها هزار کارگر شوند. این عمل، به طور غیرمستقیم سبب کاهش بیکاری شده و کمک خوبی به حکومت و رهبری است که بتوانند در اداره جامعه موفق تر باشند.

\* وظیفه کارگزاران ← کارگزاران، همان مدیران و مسئولان جامعه اند که امروزه امور سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه را برعهده دارند. در واقع، کارگزاران یاران و کمک کنندگان به رهبرند. اگر کارگزاران جامعه، وظیفه خود را به درستی بشناسند و هم به درستی اجرا کنند، اعتماد مردم به حکومت، روز به روز افزایش می یابد. همچنین عملکرد غلط کارگزاران، سبب افزایش مشکلات خواهد شد.